

## The Accumulation of Defective Policy-Making and Legislation in Iran and the Challenge of Juristic Assertiveness

ib

**Seyed Hosein Safaï**

Professor, Department of Specialized Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran  
Email: hsafaii@ut.ac.ir

ib

**Mohammad Darvishzadeh**

Head of the Iranian Law and Legal Research Institute and former judge of the Supreme Court, Tehran, Iran  
Email: darvishzadeh@illrc.ac.ir



### Abstract

This article examines the growing accumulation of defective policies and laws as a structural problem in contemporary governance and argues that a major contributing factor is the absence of scholarly and professional assertiveness in the legal and juristic community. While assertiveness is widely treated as a personal psychological virtue, the authors contend that its macro-level counterpart - critical engagement with enacted laws and public policies - has remained underdeveloped and, in some cases, actively discouraged. This has resulted in the long-term persistence of policies that have produced chronic economic instability, legal inconsistency, and social harm. The article reframes assertiveness as a professional duty of jurists, judges, and legal scholars, emphasizing that the health of a legal system

Journal of Research and Development  
in Comparative Law

Iranian Law and Legal Research  
Institute

Vol. 8 | No. ۲۸ | Autumn 2025  
(Editor-in-Chief Lecture)

[www.jcl.illrc.ac.ir](http://www.jcl.illrc.ac.ir)

DOI:

10.22034/law.2024.2036664.1423

depends not merely on the volume of legislation, but on the courage and capacity to subject law to sustained critical review.

To address the concern that critical legal analysis may undermine the religious foundations of the legal order, the paper grounds the legitimacy of critique in five converging sources: Islamic jurisprudence, constitutional principles, authoritative juristic doctrine, binding national policies on legislation, and comparative legal experience. Special attention is given to *Farmān-e Mālek Ashtar*, which explicitly warns against the instrumentalization of religion by those in power and thereby affirms the necessity of critical vigilance in legal and political life. Building on these foundations, the article identifies nine major patterns of defective policy-making, including inflationary legislation, erosion of the national currency, normalization of budget deficits, excessive legal exceptions, institutional immunity, disregard for empirical experience, and systematic neglect of the common good. The article ultimately argues that without institutionalizing a culture of critical assertiveness, legal reform remains superficial and social costs will continue to escalate. Courageous and methodical critique is therefore presented not as a threat to legal stability, but as its primary safeguard.



## انباشت سیاست گذاری و قانون گذاری نامناسب و چالش جراتمندی در فقه و حقوق زنده

استاد گروه حقوق خصوصی و اسلامی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه  
تهران، تهران، ایران

Email: hsaifai@ut.ac.ir

سید حسین صفائی



رئیس پژوهشکده حقوق و قانون ایران و قاضی پیشین دیوانعالی کشور، تهران،  
ایران

Email: darvishzadeh@illrc.ac.ir

محمد درویش زاده



فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی

پژوهشکده حقوق و قانون ایران

دوره ۸ | شماره ۲۸ | پاییز ۱۴۰۴

(سخن سردبیر)

www.jcl.illrc.ac.ir

DOI:

10.22034/law.2024.2036605.1422

### مقدمه

ابتدا اشاره می‌شود به اینکه رفتار جراتمندان در مقیاس خرد و فردی به مثابه فضیلتی روان شناختی است؛ اما در مقیاس کلان و اجتماعی، جراتمندی در بازخوانی انتقادی از سیاست‌ها و قوانین مصوب با چالش‌هایی مواجه است، غالب این چالش‌ها ممکن است ناشی از بیم بازخوانی انتقادی نسبت به وجوه تضمین کننده اسلامیت نظام باشد؛ در ادامه و برای رفع این نگرانی، پنج مستند ارائه می‌شود. مطابق این مستندات، بازخوانی انتقادی سیاست‌ها و قوانین به مثابه امر به معروف و نهی از منکر تصریح شده، در فرمان امام علی (ع) به مالک اشتر، تصریح شده، به حکم قانون، مصرح در دکترین و آزمون شده در تجربه بشری و مطالعه تطبیقی شناسایی و معرفی شده است. بر این اساس، در این مقاله، به ۹ عنوان از سیاست‌گذاری‌ها و قانون‌گذاری‌های بد و نامناسب اشاره می‌شود که بازخوانی، ترویج و تبیین وجوه آسیب و نامناسب بودن آنها ضرورت دارد.

عناوین این ۹ مورد، عبارت است از: ۱- سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری منتهی به تورم دو رقمی در طول قریب به ۵۰ سال گذشته؛ ۲- سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری منتهی به کاهش ارزش پول ملی؛ ۳- سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری منتهی به استمرار و افزایش کسر بودجه دولت؛ ۴- سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری مغایر با الزامات تحقق چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور؛ ۵- سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری منتهی به فراوانی استثنای قانونی؛ ۶- سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری منتهی به مصونیت مقام‌ها و دستگاه‌های عمومی و دولتی؛ ۷- سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری منتهی به نادیده گرفتن تجربه بشری؛ ۸- سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری منتهی به استجازه‌گرایی؛ ۹- سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری منتهی به نادیده گرفتن خیر همگانی و خواست عمومی. در این نوشتار، مصادیقی برای هر یک از این آسیب‌ها شمارش شده و از خلأ جرأت‌مندی در جامعه فقهی و حقوقی برای دعوت علمی و منطقی به بازخوانی انتقادی سیاست‌ها و قوانین نامناسب گلایه شده و بر مسئولیت آگاهان در این زمینه تاکید شده است.

## ۱- گذر از جراتمندی خردنگر به جراتمندی کلان نگر

رفتار جراتمندانانه<sup>۱</sup>، وضعیتی است تعادلی و هوشمندانه که بین دو سبک انفعالی<sup>۲</sup> و سبک تنهاجمی<sup>۳</sup> قرار می‌گیرد. در زمانه ما، ابعاد روانشناختی رفتار جراتمندانانه مبحثی مفصل است و مشخص شده که رفتار جراتمندانانه، نشانه عزت نفس بالاست و باعث می‌شود که احساس ارزشمندی در مورد خودمان داشته باشیم؛ به همین دلیل است که در مقیاس خرد فردی، پرورش مهارت جراتمندی، یکی از مهارت‌های زندگی<sup>۴</sup> است. سوال این است که آیا در مقیاس کلان و اجتماعی نیز مهارت جراتمندی برای نقد قوانین نامناسب نیز جایگاه شناخته شده و قابل قبولی دارد؟ آیا رفتارهای جراتمندانانه، علاوه بر کاربرد در مقیاس خرد، در مقیاس کلان نیز برای حل مسائل روزانه و نیازهای روزمره زندگی، می‌تواند ساحت علمی، تخصصی و حقوقی جایگاه درخوری داشته باشد یا خیر؟ آیا حقوقدانان به طور خاص و جمعیت حقوقی کشور به طور عام، رسالتی برای رفتار جراتمندانانه در نقد قوانین بد بر عهده دارند یا خیر؟ اگر پاسخ به این سوال‌ها مثبت باشد، سوال دیگری مطرح می‌شود مبنی بر اینکه کدام قوانین می‌توانند مصداق قانون بد و نامناسب باشند؟ و با چه معیار و شاخصی می‌توان یک قانون یا سیاست‌گذاری قانونی را در زمره قوانین بد و نامناسب به شمار آورد؟ و آن را آماج نقد و تبیین انتقادی قرار داد؟ در پاسخ به دو گونه سوال مزبور، به نظر می‌رسد که مهارت جراتمندی برای نقد قوانین بد و نامناسب، ضرورتی حیاتی برای توسعه کشور است و بار اصلی این وظیفه نیز بر عهده فقها، حقوقدانان، قضات و آگاهان به قوانین و مقررات مصوب است.

## ۲- چالش جراتمندی در مواجهه با سیاست‌ها و قوانین نامناسب

موارد متعددی وجود دارد که می‌تواند مصداق سیاست‌گذاری یا قانون‌گذاری بد و نامناسب باشد و رسالت حقوقدانان و قضات این است که از این سیاست‌ها و قوانین بد و

<sup>1</sup> assertive behavior

<sup>2</sup> Passive Style

<sup>3</sup> Aggressive Style

<sup>4</sup> Life Skills

نامناسب انتقاد کنند و دلایل آن را با بیانی علمی و منطقی نشان دهند. اما ویژگی‌هایی که برای قوانین مصوب، در نظم حقوقی کنونی جمهوری اسلامی ایران وجود دارد، به گونه ای است که چالش، بلکه مانعی برای مطالعه انتقادی قوانین و سیاستهای مصوب می‌شود. ممکن است تصور شود که جرأت‌مندی در بازخوانی انتقادی سیاستها و قوانین، منتهی به بازخوانی اصول و قوانینی شود که برای اسلامیت نظام ضروری است؛ لذا باید پرسید آیا ویژگی اسلامیت نظام، می‌تواند جرأت‌مندی نگرش انتقادی به سیاستها و قوانین نامناسب را محدود کند؟ آیا ضرورت نقد سیاست‌ها و قوانین بد و نامناسب، از چنان مبانی مستحکم عقلی و نقلی فراوانی برخوردار است که بتواند خود، بنیانی اسلامی و عقلانی داشته باشد و وظیفه ای ماندگار و اساسی بر عهده آگاهان به فقه، حقوق و فرهنگ عمومی کشور بار کند؟ به نظر می‌رسد که مستنداتی هم در منابع شرعی و فقهی آمده است و هم دارای زیرساخت‌های قانونی است و هم تجربه بشری آن را تایید می‌کند که بازخوانی انتقادی سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری نامناسب را ایجاب می‌کند.

### ۳- ضرورت بازخوانی انتقادی سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری نامناسب

این ضرورت، بر پایه ۵ دلیل شرعی و قانونی زیر استوار است:

#### ۳-۱- انتقاد از سیاست‌گذاری و قوانین بد یا نامناسب، به مثابه امر به معروف و نهی از منکر:

تکلیف به امر به معروف و نهی از منکر، علاوه بر بنیان مستحکم شرعی، مطابق اصل هشتم قانون اساسی<sup>۱</sup> وظیفه میان دولت و ملت شمرده شده است. بنابراین جرأت‌مندی نقد سیاست‌ها و قوانین بد، در راستای انجام این وظیفه قانونی و شرعی است.

<sup>۱</sup> اصل ۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت. شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند. وَ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ.

### ۲-۳- بازخوانی انتقادی قوانین و آموزه‌های دینی در فرمان مالک اشتر:

امیرالمومنین علیه السلام در خطبه موسوم به فرمان مالک اشتر می‌فرماید: « این دین اسیر دست اشرار بود، با هوا و هوس درباره آن عمل می‌شد و به وسیله آن دنیا را طلب می‌کردند» (فَإِنَّ هَذَا الدِّينَ قَدْ كَانَ أُسِيرًا فِي أَيْدِي الْأَشْرَارِ، يُعْمَلُ فِيهِ بِالْهَوَى، وَتُطَلَّبُ بِهِ الدُّنْيَا). این توصیف از امیرالمومنین علیه السلام در آن تاریخ که متصل به زمان پیامبر گرامی اسلام بوده است، نکته مهمی را گوشزد می‌کند و آن اینکه در همین مدت کوتاه، دین اسیر خودکامگی شده است؛ لذا می‌فرماید از یک سو هواپرستی و از سوی دیگر، دنیاپرستی همه ارکان دین را متزلزل ساخته بود؛ یعنی برخی از احکام، فرامین و آموزه‌های شریعت مدارانه دچار تغییراتی شده که باید آنها را پیراست. اهمیت این فرمان، زمانی روشن می‌شود که به تاریخ و زمان صدور آن دقت کنیم؛ اگر در فاصله کوتاهی که از زمان رحلت پیامبر گرامی اسلام تا زمان حکومت امیرالمومنین علیه السلام پدید آمده به گزارش امیرالمومنین، چنین وضعیتی در مورد دین و باورهای دینی، پیش آمده، اکنون باید پرسیم که اسارت دین و آموزه‌های دینی در دست اشرار در طول ۱۴ قرن که از آن می‌گذرد، چه وضعیتی را پدید آورده است؟ و ضرورت بازخوانی انتقادی آموزه‌های دینی تا چه حد ضروری است؟ یقیناً در طول این ۱۴ قرن، آموزه‌های دینی بارها و بارها، دست خوش استفاده سلاطین و حکومت‌ها و میدان تعارض منافع بوده و لذا صرف استناد به منابع دینی نمی‌تواند مانعی برای بازخوانی انتقادی آن باشد؛ بلکه در زمانه ما با قوت بیشتری می‌توان گفت که ضرورت بازخوانی انتقادی آن بیشتر شده است.

### ۳-۳- جرأت‌مندی در بازخوانی انتقادی قانون به مثابه دکتربین:

جرأت‌مندی در حوزه تحلیل و بازخوانی انتقادی آموزه‌های فقهی و فرهنگی پیشین، همواره مورد تاکید و تصریح سلف صالح بوده و موجب بالندگی و پدیداری مکاتب مختلف فقهی و فرهنگی شده است. نظریه پردازان فقهی، فرهنگی و حقوقی نیز بر این مهم تاکید کرده‌اند؛ به گونه‌ای که آثار افرادی همچون شهید مطهری، شهید بهشتی، شهید آیت‌الله محمد باقر صدر، مشحون از جرأت‌مندی و ابتکار و نوآوری است. بسیاری از حقوقدان‌های زنده نیز بر این موضوع تاکید کرده‌اند؛ به عنوان نمونه، مرحوم استاد جعفری لنگرودی (ره)

جرأت‌مندی را در جهان سوم، عجیب و بعید و در جهان پیشرفته آن رایج دانسته و می‌نویسند «ارائه طرح‌های جدید در حقوق نشان آشکار رشد جرأت است و...» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷، ۱۳۶ تا ۱۳۸) مرحوم آیت‌الله هاشمی شاهرودی نیز زیادی جرأت در فتوا را هنگامی که از تبحر و تتبع و تسلط مجتهد ناشی شده باشد، مزیتی می‌داند که موجب تعیین تقلید می‌شود. (هاشمی شاهرودی، جلد ۳، ۱۳۸۷، ۶۹)

### ۳-۴- جرأت‌مندی در بازخوانی انتقادی قوانین به مثابه سیاستی کلی:

بندهای متعددی از سیاست‌های کلی نظام قانون‌گذاری مصوب ۲-۷-۱۳۹۸ و از جمله بندهای ۲-۳-۵-۷-۹-۱۰-۱۲ آن بر جرأت‌مندی بر بازخوانی انتقادی سیاست‌ها و قوانین مصوب تاکید دارند؛ این بندها، گاه به دلالت مطابقی و گاه به دلالت تضمینی و گاه به دلالت التزامی، بر تحلیل و بازخوانی انتقادی سیاست‌ها و قوانین تاکید دارند که از جمله می‌توان به موارد فوق اشاره کرد.

### ۳-۵- جرأت‌مندی در بازخوانی انتقادی سیاستها و قوانین به مثابه تجربه بشری:

از نظر مطالعه تطبیقی و تجربیات سایر کشورها نیز می‌توان دهها و بلکه صدها نمونه از جرأت‌مندی‌های بازخوانی انتقادی قوانین ارائه داد، به عنوان نمونه می‌توان از کتابی با عنوان Bad law «قانون بد: ده قانون محبوب که آمریکا را نابود می‌کنند» نوشته الی میستال<sup>۱</sup>، تحلیلگر حقوقی و نویسنده پرفروش نیویورک تایمز نام برد. این کتاب، به بررسی ده قانون بحث‌برانگیز در ایالات متحده می‌پردازد که به زعم نویسنده، باعث مشکلات و نابرابری‌های اجتماعی شده‌اند و پیشنهاد می‌کند که این قوانین باید به طور کامل لغو شوند. این کتاب در تاریخ ۲۵ مارس ۲۰۲۵ منتشر شده است. نویسنده در مقدمه کتاب، موضعی کاملاً تهاجمی نسبت به فرهنگ و سنت قانونی آمریکا گرفته و می‌نویسد:

<sup>1</sup> Elie Mystal

« به نظر من، هر قانونی که پیش از سال ۱۹۶۵ تصویب شده را به طور پیش فرض خلاف قانون اساسی می دانم. »

وی در توضیح این پیشنهاد تهاجمی می نویسد:

«پیش از تصویب «قانون حق رأی» در سال ۱۹۶۵، ایالات متحده در عمل یک کشور آپارتاید بود. حکومتی که بر مردمی فرمان می راند که هیچ گونه امکان مشارکتی در انتخاب قوانین نداشتند، لذا مشروع نبود. آمریکا پیش از ۱۹۶۵ یک جمهوری دموکراتیک نبود؛ یک دولت نژادمحور سفیدپوستان بود که دیگران را در اسارت نگه می داشت البته، همه قوانین دوران آپارتاید در آمریکا بد نبودند. مثلاً «قانون حقوق مدنی» در سال ۱۹۶۴ تصویب شد و قانون خوبی بود. من همچنین طرفدار پر و پا قرص قوانینی علیه قتل هستم و البته مثلاً «قانون ضد تراست شرمین» را هم دوست دارم. اما قطعاً قوانینی که هنوز هم دوستشان داریم و از آن دوران تاریک تحت سلطه سفیدپوستان باقی مانده اند، می توانند دوباره تصویب شوند — این بار توسط نهادهای نماینده همه مردم آمریکا، نه فقط مردان سفیدپوست. نکته ام این است که کنگره ها و مجالس قانون گذاری ایالتی که تماماً سفیدپوست و مرد بودند، نمی توانند مبنای مشروعی برای قدرت و اقتدار قانونی در یک جامعه چندفرهنگی و دموکراتیک باشند. »

ذکر این مبانی شرعی، قانونی علمی و تجربی به این دلیل است که نشان دهیم جرات مندی انتقاد از قوانین بد، ریشه در تاریخ و فرهنگ و مبانی دینی و قانونی ما دارد و از نظر تجربه بشری نیز امری پذیرفته است و هیچگاه انتقاد از قوانین به مثابه تضعیف دولت یا حاکمیت نباید تلقی شود و اتفاقاً موجب تقویت خرد ورزی و کارآمدی دولت و بهتر شدن نظام قانون گذاری می شود.

#### ۴- مصادیقی از سیاست گذاری و قانون گذاری بد و نامناسب:

پرسش بعدی این است که در کشور ما با چه معیاری می توان سیاست گذاری بد و قانون گذاری بد را مشخص نمود؟ و چه مصادیقی از آن وجود دارد؟ به نظر نویسندگان، سیاست گذاری غلط و قانون گذاری بد و نامناسب در نظام تقنینی ایران دارای شواهد، نمونه ها و مصادیق فراوان است. در ادامه به برخی از آنها اشاره می شود:

#### ۴-۱- سیاست‌گذاری و قانونگذاری منتهی به تورم دورقمی:

این گونه سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری، در طول قریب به ۵۰ سال اخیر در کشور ما وجود داشته است؛ در سال‌های اخیر، سیاست‌گذاری‌های تورمی و قانون‌گذاری‌های تورم‌زا، رشد شتابناکی داشته است؛ انتقاد دولتمردان از سیاست‌گذاری تورمی کفایت نمی‌کند؛ بلکه ضرورت دارد که در سیاست‌گذاری تورم‌زا تجدیدنظر شود؛ زیرا مسلم است که تورم، بنیان‌های اخلاقی و حقوقی جامعه را نابود می‌کند؛ اجرای تعهدات را ممتنع و یا متعسر می‌کند؛ معسران و ورشکستگان اقتصادی را افزایش می‌دهد؛ اوضاع و احوال زمان انعقاد قرارداد را دچار تغییر اساسی می‌کند؛ اجرای تعهد غیرمقدور می‌شود و بنیان قرارداد به عنوان عنصر سازنده حقوق را متزلزل می‌سازد. هر گونه سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری که منتهی به ایجاد تورم دورقمی در طول چند دهه گذشته شده است، قطعاً مصداق روشنی از سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری مخرب است؛ چرا که تورم صرفنظر از آثار دردناک اقتصادی، بنیان‌های فرهنگی، اخلاقی و حقوقی جامعه را دچار فرسایش عمیق کرده است. متأسفانه سیاست‌هایی که در نهایت منتهی به افزایش تورم شده است، امر پنهانی هم نیست؛ بلکه همه ساله هنگام تصویب قانون بودجه سنوانی و نیز هر ۵ سال، هنگام تصویب قانون برنامه ۵ ساله، به صورت محاسبه شده در مورد میزان تورم تصمیم‌گیری می‌شود!! و همیشه هم میزان تورم در عمل از این نصابها فراتر می‌رود و مراجع سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری نیز بدون اینکه در این سیاست‌ها و قوانین تجدیدنظر کنند، صرفاً به بیان کلامی و توصیه‌ای لفظی، اکتفا می‌کنند!! چگونه می‌توان پذیرفت که این مراجع سیاست‌گذار و قانون‌گذار به صورت آگاهانه!! و با سبق تصمیم!! و با حکم قانون!!، زیرساخت‌های اقتصاد، فرهنگ، اخلاق و حقوق جامعه را تخریب و متزلزل کنند!!؟

#### ۴-۲- سیاست‌گذاری‌ها و قانونگذاری‌های موجب کاهش ارزش پول ملی:

روند کاهش ارزش پول ملی همواره شتابان بوده است. این در حالی است که بارها در کلام مقام رهبری (سایت دفتر مقام معظم رهبری، ۱۴۰۴)، ذیل کلیدواژه «تورم» و سایر مقام‌های قانون‌گذاری از کاهش ارزش پول ملی انتقاد شده است!! اما در عمل مشاهده می‌شود که سیاست‌گذاری و به تبع آن قانون‌گذاری به سمت و سویی رفته که کاهش ارزش

پول ملی، مستند به تصمیمها، مصوبه‌ها و بندهای قانون بودجه و مصوبات شوراهای عالی مستمراً در حال افزایش است؛ این فرایند، موجب فقیرتر شدن مردم، کاهش رشد اقتصادی و افزایش نابرابری‌های اجتماعی می‌شود و به این ترتیب، بنیان‌های اساسی فرهنگ، اخلاق و حقوق جامعه دچار دگرگونی و تزلزل می‌شود. انتقاد از این سیاستها و قوانین، صرفاً بیان یک گلایه ساده نیست؛ بلکه انتظار آن است که جلوی تصویب این قوانین و مقررات و مصوبات شوراهای عالی گرفته شود تا در عمل تعهد به این موضوع اثبات شود.

### ۳-۴- سیاستگذاری و قانون‌گذاری منتهی به کسر بودجه:

دولت هر ساله قانون بودجه را - که متضمن دخل و خرج یا درآمد و مصارف کشور است - را به تصویب مجلس شورای اسلامی و تایید شورای نگهبان می‌رساند. در همه قوانین بودجه، معمولاً میزان مشخصی کسر بودجه وجود دارد؛ متأسفانه میزان کسر بودجه در طول سالهای متمادی، همیشه رو به افزایش بوده است. این موضوع، به معنای آن است که دولت قادر نیست منابع درآمدی خود را به میزانی تحصیل کند که حداقل کفایت مخارج او را بنماید. در این شرایط، امکان ندارد که بدون تصویب در قوانین بودجه و یا پیش بینی اختیارات فرا قانونی برای شوراهای عالی - که خود آن شوراها نیز به صورت فرا قانونی تشکیل شده‌اند - کسر بودجه‌ای به خزانه کشور تحمیل شود. حال باید دید که با تصویب کدام مرجع سیاستگذار؟ یا با تصویب کدام مرجع قانون‌گذار، این قوانین بد و مقررات فرا قانونی به تصویب رسیده؟ و چگونه کسر بودجه به خزانه عمومی تحمیل می‌شود؟ این قوانین، خود مصداق واضحی از قانون‌گذاری بد و نامناسب است.

### ۴-۴- سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری مانع تحقق چشم انداز ۱۴۰۴:

بیش از ۲۲ سال قبل و در زمان تصویب چشم انداز ۲۰ ساله کشور (۱۳۸۲) چشم انداز ایران ۱۴۰۴ به تصویب مراجع سیاستگذار رسید. در این چشم انداز، ضوابط و شاخص‌های دقیقی برای توسعه کشور در سال ۱۴۰۴ پیش بینی شد؛ متأسفانه بعد از تصویب این سند قانونی، طیف وسیعی از سیاست‌گذاری‌هایی انجام شد که تحقق شاخص‌های پیش‌بینی شده در چشم انداز را دور از دسترس کرد؛!! همچنین قوانین متعددی به تصویب رسید که در تعارض با الزامات تحقق سند چشم انداز توسعه کشور بود؛!! ثمره این

گونه سیاستگذاری و نیز قانون‌گذاری‌های معارض با الزامات تحقق چشم‌انداز کشور در طول ۲۲ سال اخیر منتهی به وضعیت کنونی شده است که کشور با ناترازی‌های گسترده دست به گریبان شده و حجم وسیع فقر، نابرابری و آسیب‌های اجتماعی را بر وضعیت کنونی کشور حاکم کرده است. در طول این سالها، باز خوانی انتقادی این گونه سیاستگذاری‌ها و قانون‌گذاری‌ها ضرورتی حیاتی بود که با لطائف الحیل مقدور نشد و یا شنیده نشد و شد آنچه شد. اکنون نیز جای خالی نگرش‌های انتقادی و اثرگذار در سپهر علمی کشور مشهود است. در ۲۲ سال گذشته، تحلیل‌های حقوقی اندک و پژوهش‌های حقوقی بسیار محدود و نه چندان درخوری ارائه شده که نشان دهد کدام سیاست‌گذاری‌ها؟ و کدام قانون‌گذاری‌ها؟ به گونه‌ای بد و نامناسب انجام شده؟ و چه عوارضی در پی خواهد داشت؟ و... به نظر می‌رسد بی‌عملی حقوق‌دانها، ناشی از خلأ جرأت‌مندی در جمعیت حقوقی کشور به طور عام بوده است و با کمال احترام و تواضع باید گفت به طور خاص نیز سبک انفعالی و محافظه‌کاری در استادان، نظریه‌پردازان، صاحبان نظران و تریبون‌داران حقوقی کشور، بخشی از مسئولیت این وضعیت را برعهده دارد. این خلأ مسئولیت حقوق‌دان‌ها در بهبود شرایط اجتماعی و ارتقاء سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری را نشان می‌دهد.

#### ۵-۴- فراوانی قانون‌گذاری استثناگرا:

اگرچه در بند ۹<sup>۱</sup> سیاست‌های کلی قانون‌گذاری، بر محدود کردن قانون‌گذاری استثناگرا تاکید شده است؛! اگرچه منطق طبیعی سیاست‌گذاری با استثناگرایی سازگار نیست؛ اما در عمل مشاهده می‌شود که قانون‌گذاری استثناگرا همواره رو به فزونی داشته است و طیف گسترده‌ای از قوانین را شامل شده است؛ به گونه‌ای که در قوانین مختلف، همواره استثناهایی تکرار شونده مشاهده می‌شود که تبدیل به رویه‌ی حاکمیتی شده است. مطابق این رویه حاکمیتی، موادی ثابت و یکنواخت در قوانین تعبیه می‌شود و مطابق آن مواد، شمول قانون بر بسیاری از مراجع نظامی، انتظامی و نهادهای زیر نظر مقام معظم

<sup>۱</sup> «...-عدالت محوری در قوانین و اجتناب از تبعیض ناروا، عمومی بودن قانون و شمول و جامعیت آن و حتی الامکان

پرهیز از استثنای قانونی»

رهبری استثنا یا مشروط می‌شوند. متأسفانه این مواد به صورت پرتکرار در قوانین متعدد راجع به نظام‌های استخدام، بازنشستگی، ارتقا، انتصاب، پرداخت پاداش، مالیات، خصوصی‌سازی و بسیاری از برنامه‌های توسعه بخشی مشاهده می‌شود. شمارش استثنائاتی در قانون‌گذاری برای مراجعی که به صورت انتصابی تعیین می‌شوند و مقایسه آن با قوانین قبل از انقلاب اسلامی، سطح و عمق استثنائاتی در قانون‌گذاری را نشان می‌دهد. همه این استثناهای قانونی، بدنه یکپارچه تقنینی و اجتماعی کشور را تهدید می‌کند و کارکرد و فلسفه اصلی قانون‌گذاری را نفی می‌کند؛ چرا که مطابق اصول ۱۹-۲۸ و ۱۰۷ قانون اساسی برابری همه افراد جامعه در برابر قانون تضمین شده است. اما قانون‌گذاری استثنائاتی این اصول را به چالش کشیده و قوانین را نامناسب کرده است. شاید دهها و حتی بیش از یکصد نمونه قانون‌گذاری استثنائاتی را می‌توان شناسایی کرد؛ اما این موارد، کمتر مورد انتقاد و ایراد صاحب نظران حقوقی قرار گرفته و قانون‌گذاری بد در این زمینه نادیده گرفته شده است؛ به گونه‌ای که قبح آن کاملاً مشهود نیست و چه بسا که نویسندگان این مقاله، برای اشاره به این گونه مضامین، مورد مذمت، انتقاد و گاه تهدید نیز قرار می‌گیرند.

#### ۶-۴- قانون‌گذاری مبتنی بر مصونیت مقام‌ها و دستگاه‌های عمومی:

در دنیای کنونی، نظریه‌های مسئولیت، مرزهای حقوق خصوصی را در نورددیده و حوزه عمومی و اداری را نیز پوشش می‌دهد. مسئولیت شخصیت‌های حقوقی عمومی و نیز مسئولیت مقام‌های عمومی و دولت با ضوابط قانونی و مشخص پذیرفته شده است؛ در بسیاری از کشورها، فراتر از مسئولیت مقام‌ها و شخصیت‌های عمومی، حتی مسئولیت قانونگذار نیز پذیرفته شده است و حتی فراتر از آن، مسئولیت سیاستگذاران نیز پیش‌بینی شده است. نظام‌های یکپارچه مسئولیت، موجب شده است که هر شخص حقیقی و حقوقی در حوزه حقوق عمومی و خصوصی از ضوابط مسئولیت، گریزی نداشته باشد؛ این در حالی است که متأسفانه نظام حقوقی ایران، در مرحله شکل‌گیری اولیه خود توقف کرده است و می‌توان گفت در کشور ما نظام مسئولیت در شرایط خردسالی به سر می‌برد. در این دوران و مبتنی بر نظریه‌های مسئولیت کلاسیک، مطابق ماده ۱۱ قانون مسئولیت

مدنی<sup>۱</sup> - که یادگار دهه ۳۰ است - پیش بینی شده است که دولت در انجام امور حاکمیتی مبرا از مسئولیت است؛!! متأسفانه این حکم، هنوز در نظام حقوقی ایران مورد استناد قرار می‌گیرد. این در حالی است که اصل ۱۷۱<sup>۲</sup> قانون اساسی که سالها بعد، به تصویب قاطع مردم رسید و متأثر از مبانی فقهی می‌باشد، با صراحت کامل مسئولیت قاضی را پذیرفته است. در حالی که در نگرش سنت فقهی، عمل قضایی به عنوان اصلی‌ترین نماد اعمال حاکمیت دولت شناخته می‌شود؛ اما مسئولیت قاضی پذیرفته نشده است؛ حتی قانون عادی مربوط نیز - هرچند با تاخیر زمانی حدود ۳۰ ساله - به تصویب رسید و به موجب ماده ۳۰<sup>۳</sup> قانون نظارت بر رفتار قضات، نظام خاصی را برای مسئولیت قضایی پیش بینی کرده است، اما با این وصف، کماکان ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی، به عنوان یک مصداق مشخص از تبعیت از نظریه مصونیت دولت در اعمال حاکمیت موجب شده است که مقامات

---

<sup>۱</sup> ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی: کارمندان دولت و شهرداری‌ها و موسسات وابسته به آن‌ها که به مناسبت انجام وظیفه عمدا یا در نتیجه بی احتیاطی خساراتی باشخاص وارد نمایند شخصاً مسئول جبران خسارت وارد می‌باشند ولی هر گاه خسارات وارده مستند به عمل آنان نبوده و مربوط به نقص وسائل ادارات و موسسات مزبور باشد در این صورت جبران خسارت بر عهده اداره یا موسسه مربوطه است ولی در مورد اعمال حاکمیت دولت هر گاه اقداماتی که بر حسب ضرورت برای تأمین منافع اجتماعی طبق قانون به عمل آید و موجب ضرر دیگری شود دولت مجبور به پرداخت خسارات نخواهد بود.

<sup>۲</sup> اصل ۱۷۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: هر گاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران می‌شود، و در هر حال از متهم اعاده حیثیت می‌گردد.

<sup>۳</sup> ماده ۳۰ قانون نظارت بر رفتار قضات: رسیدگی به دعوای جبران خسارت ناشی از اشتباه یا تقصیر قاضی موضوع اصل یکصد و هفتاد و یکم (۱۷۱) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در صلاحیت دادگاه عمومی تهران است. رسیدگی به دعوای مذکور در دادگاه عمومی منوط به احراز تقصیر یا اشتباه قاضی در دادگاه عالی است. تبصره - تعلیق تعقیب یا موقوفی تعقیب انتظامی یا عدم تشکیل پرونده مانع از رسیدگی دادگاه عالی به اصل وقوع تقصیر یا اشتباه قاضی نیست.

دولتی در پرتو این ماده، احساس مصونیت از هرگونه مسئولیت کنند و به تبع آنها، قانونگذاران با تصویب قوانین نامناسب هیچ گونه مسئولیتی را برای خود تصور نمی کنند و فراتر از آنها سیاستگذاران نیز در برج عاج مصونیت، خود را از هرگونه پاسخگویی فارغ می دانند.

**۶-۴- عدم استفاده از تجربه بشری در حوزه قانون گذاری و حاکمیت قانون های بد:**  
 با وجود آنکه در اصل دوم<sup>۱</sup> قانون اساسی جمهوری اسلامی «استفاده از علوم و فنون و تجربه بشری» جایگاهی همتراز با «اجتهاد مستمر فقیهان» یافته است، اما در عمل، قانون گذاری هایی که تجربه بشری را یکسره و گاه مکرر به کناری گذاشته اند مشاهده می شود. برخی از کارنامه قانون گذاری های مبتنی بر نفی تجربه بشری چنین است. خلاف شرع دانستن تجدیدنظر در فرایند دادرسی!!، خلاف شرع دانستن نهاد دادسرا!!، خلاف شرع دانستن جرم انگاری های حوزه خانواده در قانون حمایت خانواده قدیم!!، خلاف شرع دانستن به روز رسانی مهریه بانوان بعد از دهها سال از گذشت زندگی مشترک!!، خلاف شرع دانستن خسارت تاخیر تادیه!!، خلاف شرع دانستن حق کسب وپیشه!!، نپذیرفتن خسارات معنوی!!، عدم شناسایی خسارت مازاد بر دیه!!، خلاف شرع دانستن مرور زمان کیفری!!، خلاف شرع دانستن عدم النفع!! و... این نمونه ها، فهرست فراوان و پرتکراری را فراهم می کند که در آنها تجربه بشری نادیده گرفته شده؛ اما پس از آزمون و خطای فراوان و تحمیل هزینه های بی حد و حصر؛ در نهایت نیازها و واقعیتها خودشان را

<sup>۱</sup> اصل ۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: جمهوری اسلامی، نظامی است بر پایه ایمان به: خدای یکتا (لا اله الا الله) و اختصاص حاکمیت و تشریح به او و لزوم تسلیم در برابر امر او؛ وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین؛ معاد و نقش سازنده آن در سیر تکاملی انسان به سوی خدا؛ عدل خدا در خلقت و تشریح؛ امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلام؛ کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا که از راه: الف - اجتهاد مستمر فقهای جامع الشرایط بر اساس کتاب و سنت معصومین سلام الله علیهم اجمعین؛ ب - استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری و تلاش در پیشبرد آنها؛ ج - نفی هرگونه ستمگری و ستم کشی و سلطه گری و سلطه پذیری، قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی را تأمین می کند.

بر سیاستگذار و قانون‌گذار تحمیل کرده اند. در همه این موارد، جرأت‌مندی برای تحلیل انتقادی سیاستگذار و قانون‌گذار می‌توانست هزینه‌هایی به مراتب سبک‌تر را ایجاد کند و خسارت را کاهش دهد.

#### ۷-۴- سیاستگذاری و قانونگذاری مبتنی بر استجازه‌گرایی:

اگرچه استجازه‌گرایی<sup>۱</sup> به عنوان یک مصداق از استثناگرایی قانونی قابل توجه است، اما از آنجا که این‌گونه سیاستگذاری به کرات توسط سیاست‌گذار استفاده شده و خسارات جبران‌ناپذیری را تحمیل کرده است، باید به طور خاص از آن نامبرده شود؛ چرا که با استجازه‌گرایی، زیرساخت‌های کلان قانون اساسی و قوانین بنیادین همچون قانون آیین دادرسی کیفری، به تعلیق درآمده و تاب‌آوری قانون اساسی را تضعیف کرده است و آخرین امید شهروندان را به احقاق حق، نادیده گرفته است. لازم است متذکر شویم که در این زمینه، یادداشت مستقلی نیز ارائه شده است. لذا از تکرار آن پرهیز می‌شود.

#### ۸-۴- قانون‌گذاری با نادیده گرفتن خیر همگانی و خواست عمومی:

مصادیق متعددی از قانونگذاری وجود دارد که خیر همگانی و نفع عمومی در آن نادیده گرفته می‌شود؛ نمونه دیگر قانونگذاری‌هایی بد، مواردی است که برخلاف خواست عمومی و نیازهای اجتماعی و هنجارهای فرهنگی جامعه انجام شده که مصادیق آن فراوان مشاهده می‌شود. در همه این موارد، آنچه مسلم است، این است که مهارت جرأت‌مندی حقوق‌دانها، نقش بنیادین داشته است. به روشنی مشاهده می‌شود که این خلأ، در تحلیل‌های حقوقی وجود دارد؛ انبوه پایان‌نامه‌های حقوقی، انبوه مقالات پژوهشی حقوقدان‌ها، بسیاری از کتاب‌ها و آثار تخصصی، انبوه نشست‌ها و جلسات تحلیل و بررسی حقوقی، جلسات نقد و بررسی که در دانشگاه‌ها و پژوهشکده‌ها و مراجع پژوهشی و تخصصی و قضایی کشور برگزار می‌شود، عموماً با ضعف جرأت‌مندی حقوقی مواجه هستند؛ چرا که با مسامحه‌گویی و عدم

<sup>۱</sup> به عنوان نمونه می‌توان به استجازه مورخ رئیس قوه قضاییه از مقام معظم رهبری در خصوص تشکیل شعب ویژه دادگاه‌های انقلاب اسلامی برای رسیدگی به پرونده‌های مرتبط با جرائم اقتصادی اشاره کرد.

شفافیت در بیان ایرادها، موجب می‌شوند که فرصت‌های بهره‌مندی و توسعه و بهبود فردی و اجتماعی از بین برود.

## نتیجه‌گیری

جرأت‌مندی حقوق‌دان‌ها و صاحب‌نظران حقوقی، در نقد و چالش علمی برای سیاست‌ها و قوانین بد، ضرورتی اساسی است. در طول دهه‌های گذشته، توجه درخوری به جرأت‌مندی حقوقی نشده است. این موضوع، موجب رواج سیاست‌گذاری بد و میدان‌گیری قوانین بدتر شده است. پیشنهاد می‌کنیم که بازخوانی انتقادی سیاست‌ها و قوانین بد با صراحت و شفافیت بالا و با هدف تعهد به خیر همگانی و امر به معروف و نهی از منکر ترویج و تسهیل شود؛ زیرساخت‌های مورد نیاز برای توسعه جرأت‌مندی حقوقی توسط دولت فراهم شود؛ مسئولیت شخصی و حرفه‌ای حقوق‌دان‌ها نیز در این زمینه جدی گرفته شود؛ آنها باید با شیوه‌های چالش‌گریز و با بیان علمی و حقوقی به تبیین و توضیح قوانین بد بپردازند و صد البته نباید از لحن‌های پرخاشگر و سرزنشگرانه استفاده کنند؛ باید حرف‌های منطقی گفته شود؛ مطالبی که ریشه در واقعیت و عینیت جامعه دارد، نشان داده شود؛ نباید تصور شود که انتقاد از سیاست و قانون بد، به مثابه اتخاذ سبک تهاجمی و تمام‌عیار علیه قانون حاکم است. حقوق‌دان‌ها نباید وارد بگو مگوهای تنش‌زا شوند؛ بلکه باید با تکرار چندباره و مکرر از مسائل برگرفته از واقعیت بر روی موضوع اصلی تمرکز کنند. نباید به افراد مقابل اجازه داده شود که بحث را به حاشیه بکشانند و وارد جر و بحث‌های بی‌مورد شوند؛ تمرکز اصلی باید بر تبیین ضایعات سیاست و قانون بد باشد و به صورت آرام و شفاف، پیام انتقاد به قانون و سیاست بد منتقل شود. برای این منظور، باید از واقعیت‌های قابل استناد استفاده شود و مدام بر روی موضع خود در خصوص بد بودن قانون پافشاری شود. نویسندگان، این رسالت را به همه دانشجویان حقوق یادآور می‌شوند و بر آن پای می‌فشارند و خود نیز عامل به آن بوده و بیش از پیش خواهند بود. بعون الله و مئنه ومدده

## فهرست منابع

### الف) منابع فارسی

۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
۲. قانون مسئولیت مدنی.
۳. سیاست‌های کلی نظام قانون‌گذاری مصوب ۱۳۹۸/۰۷/۰۲
۴. چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی مصوب ۱۳۸۲/۰۸/۱۳
۵. جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۸۷) علم حقوق در گذر تاریخ (چاپ اول). تهران: گنج دانش.
۶. هاشمی شاهرودی، سید محمود. (۱۳۸۷). فرهنگ فقه (جلد ۳، چاپ اول). قم: مؤسسه دایرةالمعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع).
۷. دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای. (بی‌تا). پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری <https://farsi.khamenei.ir>

### ب) منابع انگلیسی

8. Mystal, E. (۲۰۲۵). *Bad Law: Ten popular laws that are ruining America*. New York: The New Press.

## References

- 1- Constitution of the Islamic Republic of Iran. (1979). Qānūn-e Asāsī-ye Jomhūrī-ye Eslāmī-ye Īrān. Tehran: Islamic Consultative Assembly (in Persian).
  - 2- Civil Liability Act of Iran. (1960). Qānūn-e Mas'ūliyat-e Madanī. Tehran: Islamic Consultative Assembly (in Persian).
  - 3- General Policies on the Legislative System of Iran. (2019, September 29). Siyāsāt-hā-ye Kollī-ye Nezām-e Qānūn-gozārī. Tehran: Office of the Supreme Leader (in Persian).
  - 4- Twenty-Year National Vision of the Islamic Republic of Iran (2025 Outlook). (2003, November 4). Cheshm-andāz-e Jomhūrī-ye Eslāmī-ye Īrān dar Ofoq-e 1404. Tehran: Expediency Discernment Council (in Persian).
  - 5- Ja'fari Langarudi, M. J. (2008). Elm-e Hoqūq dar Gozar-e Tārīkh (1st ed.). Tehran: Ganj Dānesh (in Persian).
  - 6- Hashemi Shahroudi, S. M. (2008). Farhang-e Feqh (Vol. 3, 1st ed.). Qom: Mo'assese-ye Dāyerat al-Ma'āref-e Feqh-e Eslāmī bar Madhhab-e Ahl al-Bayt (in Persian).
  - 7- Mystal, E. (2025). Bad law: Ten popular laws that are ruining America. New York, NY: The New Press.
- Office for the Preservation and Publication of the Works of Ayatollah Khamenei. (n.d.). <https://farsi.khamenei.ir> (in Persian).